

خراسانست پنج شهر از خانوار سکنه دارد از اهالی بلاد و قبایل مختلف مردم این
 شهر را نازیک گفتن است تا اگر در بیابانهای ابل زعفرانلو که اینجانی ایشان در فوجیه
 می نشینند هر دو طرف فضا با طرف میباشند الا قلیلا که در شهر مخلوط سکنه
 شده اند لغت هم بگردی محاوره میکنند و هم بزرگ این شهر را تقریباً چهار قسمت میکنند
 کنیم سه ربع آن مسکون و فعلاً ب فوجیان موسوم است و بکریج دیگر که در سمت جنوب
 واقع شده خراب و محل زراعت شده و این ربع را که محل و فوجیان خرابه میخوانند
 اینجارا مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه در محاصره و پراکنش ساخته است
 و باره آن سه ربع دیگر را هم بنویس و غیره بکجا انداخته و باقی مانده بروج و باره را با اکثر
 بیوثان زلزله عظیمه بکسر رود و بیست و شصت و هفت زهر و پنجه و در این زلزله فزون
 از دو هزار نفس در ذیبا و او هلاک شده تا پنج این داهیه را (فوجیان خراب شد)
 یافتند و بعد از این حادثه دیگر باره خانه ها را عمارت کرده اند و در حقیقت شهر به
 تازه ساخته اند در هزار و دو بیست و هشتاد و هشت زلزله دیگر آمده و خرابی
 فاحش وارد آورده است تا پنج آن (فوجیان جدید خراب شد) تمام فوجیان مسکون
 و کرد محل خراب بیک حندق و یک سور محاط بوده است و یک دیوار و خندق
 نیز مابین کرد محل و شهر ساخته بوده اند فوجیان مسکون را چهل برج است و مابین
 برجهن از هفتاد ذرع الی صد ذرع فاصله است و در واژه دارد جنوبی موسوم
 بدرواژه بجنورد شمالی موسوم بدرواژه مشهد و در میان فوجیان مسکون نشین
 متوسط واقع شده مشهور بقیارک سابقاً عمارت حکومتی اینجا بوده است و این زمان
 محل خا های جمع از ابل فوج میباشند و از اینجهت حال الانام فر شمال محل خوانده

میشود بحالات فوجان بهشت قسم و هشتم مشهور است سندل سوز
 بابا خیر - فوالنک فی خراسان پانچنار ساریان محله فی باغ محله
 شهور دینخان فریبست مسجد ما بین عامر و غامر موجود است بدین تفصیل
 مسجد نرنا سب فریب ما مزاده مسجد سورانی مسجد بلاده مسجد صفاران
 مسجد جامع که در جنب مدرسه واقع و متصل بدانشت منشا بعوضه بنا و وقف
 حاجی عوض و پردی که در چهار الفلاک ادو گذشت قبر خود و دخترش در یکی
 از حرات مدرسه است و بعد از خراب شدن بزلزله از حاصل موقوفات و مدد
 بعضی از اهل ثروت فوجان اصلاح و مرمتی نزدیک آنک از سر ساخته باشند
 کرده اند مسجد فخریچان مسجد کرا و خلیخان مسجد محمد زودی یک
 مسجد علاء فریدان مسجد حاجی افروضا مسجد سادات مسجد کربلا رمضان
 مسجد پانچنار بنا و وقف مسجد ملا سلیم مسجد کربلا علی اکبر مسجد کربلا
 ادبیه مسجد درویش بیوم مسجد حاجی حسنخان و غیر ذلک در این نواح پنج
 ده کرمات و اثر موجود است باین اسامی حاتم افروضا حاجی در بلاده حاتم میرزا نقی
 ایضا حاتم حاجی نقد علی خان ایضا حاتم خان فریب عمارت شجاع الدوله حاتم
 مخصوصی شجاع الدوله امیر حسنخان حکمران حالیه فوجان حاتم میدان و وقف
 مدرسه حاتم پانچنار و وقف مسجد ایضا حاتم حاجی صادق و افروضا فوالنک
 حاتم کوچک نزدیک مسجد پانچنار حاتم نوکر بفرمایش نا جلی بی متعلقه شجاع
 الدوله میسازند در فوجان بسیارین رزق افاضات است و میوهجات سرد و خنده
 در حد نظریط و شهر تقریباً بی اغاث محفوظ میباشد بازار فوجان با سایر آبادی

مناسب و معهود دارای دکا کیز بسیار و از صناعات و حرف در این خطه پوستین

دوزی و مسکری و البجری باقی بر نحو کالت

از ائمه جماعت و مشایخ در این بلد جماعتی هستند و اسامی ایشان از این نظر است

افا شیخ حسین مجتهد شیخ الاسلام که در حکمت بد طولی دارد حاجی میرزا بابا

علوی که در مسجد جامع امامت دارند شیخ علی اکبر که در تناسبات امامت میکند

ملا افانزیرک ملا عبدالوهاب حکمی حاجی شیخ باقر که در مسجد میان بازار امامت

دارد ملا ادب پنهان بادی که در مسجد کرد او غلخان امام است حاجی ملا

حسین نماز مسجد ملا سلیم ملا محمد نفی ملا محمد رضا که در مسجد فخر النک

امامت دارد آقا سید باقر امام مسجد پاچنار ملا رمضان امام مسجد صفاران

اطباء مشهور معتبر آقا میرزا صادق حکیم باشی آقا سید هاشم محمد علی بیگ

مشهورترین رجل این شهر فخر محمد علی است خلف حاجی ملا نفی کلاه دوزا بن

حاجی محمد علی مجتهد که صحبتش ادراک شد بیست سال تمام است که در وصو عن

فاریک نخست و کلی محقری در خارج شهر میان باغات انزو اواعتزال اختیار

کرده است ریاضات کشیده و اربعینها بسر برده و در ایام اشتغال احیاناً ذهول

و استغرافی در حواس دست سپاده که طبیعت از اقتضای او از عادی به غفلت مینمونه

و ناسر چهار روز باکل و شرب و غیره نمیدرخشد و نماز گذارده نمیشد و از اینجا

اشتها و بافته است که چیزی نخورد و گرنه در حالت حو و رجوع حواس که فوسه

بسرکاو خویشین باز میکشند انداخته آنها طعام علی العاده البشرب برجا بوده است

و بمقتضیات آن میپرداخته گویند در او اهل اعتزال و حواس ظاهر نیز او لطافتی

حیدر
معالدان کوه
خبر شاه که چو است
که فاع و و دار الحکومه
رسنا و استو می باشد
از سال ۱۲۱۰
مکتوبه انجمن اولیاء
محمد بن عبدالرحیم بن
حسن الحافظ الاصفهانی
که در سال چهار
صد و پنجاه و دو
شکست
شکست
مستور ز زینت
الغلوب که بدخوش است
شهر و سطات از
اقلیم چهارم و نواح پنج
در دود دیده نزدیک توان
انقلابت را استوانه بند
کو با همه اینست که در
بیتش گواض شده و
عهد معقول هالکون
محمد در هارتان کرد
و بنبر داشت از غوغایان
بر انهارت او و داب و
هو خود در حاصلش
خلد و پنهان و انکور و
مبوه فراوان
باشد

پیدا آمد که الم فاحش پیر ساپند حاسته سمع مجدی رقت و لطف پیدا کرده
بود که چون کسی از حوالی صومعه میگذشت گوش منالم میشد و بدن را صدمه
میرسانید و حاسته بصر مجدی حدیث یافت بود که اصلا در بعضی رنگها و روها
نظر امکان نداشت و هنگام فوت شرم و غیره لاجرم بعضی نداب بر طپه کفایت غلظت
در آلات قوای مذکوره ایجاد کرده شد تا از رقت و لطافت آنها مبالغی کاسنه
بسر حد اعتدال منعروف رسید مشاوار البه بر نیل مراتب عالیه معروفست و
از فرار مدن کور صحبت بعضی از باب مکاشفات و اصحاب کرام ترا در یافتند که از
جمله مرحوم آقا عبدالحمید بن بخار مرید مرحوم حاجی محمد جعفر کبود و اهنگی باشد
باری فقیر معترف است که محاوره می نماید از خویشتر بچهره فقیر می کند آ کوه
تخصیل عالی بر حسب اظهار نکرده است و در سبب بجزگایهای فارسی و انحاء آنها
نخوانده لیکن در تکلم و محاورت نهایت زبری و هوشمندی را دارد فعلا از علاقه
عائفه مستخلص است تا کون زن اخیار نکرده و اولاد بنا افتد است برادرش میرزا
رحیم منشی که در خراسان از مشایخ پیران باب فلام بوده در سنه ماضیه که سال
هزار و سیصد هجری باشد در حلت نموده فقیر محمد علی از حطام دنیوی باغی و
زمینی و اسپانی و دکا کبر چند دارد بعضی از اهل خیرت نقل کردند که سال
یکصد نومان اجاره باغ و زمین اوست و صومعه مشاوار البه مابین باغ و این زمین
واقع شده و مابینه معیشت فقیر همین وجوه است و این املاک میگویند بارت با و
رسیده از کسی هدیه و نیاز قبول نمی نماید بکد و نفر خادم دارد محی الدین بن العزیز را
خوب میداند و احیاناً از شعر شنوی روحی است شهادت نماید و با هر کس موافقت

مذاذ او در محاورت همراهم میکند و پیش از این بیت^ک دو سال هم در کرباب و افغ
در شمال غربی فوجان بهمین حال اختزال داشته است سرفیض بر حسب تقریر
خود او در سال نافسه . سنه هزار و سیصد هجری چهل و چهار است و این اوقات
از ریخ ریاضات سوده است و حسب الافر از جز نماز و تعقیب کاری ندارد و در
اصل هم از اهل فوجانست پدرش نیز از عرفان دم میزده و بامدعیان حال امیرش
مبنوده است

از مشاهد معظره و فوجان هزار سلطان ابراهیم که میگوبند پسر حضرت رضا علیه
السلام میباشد بقصر و بارگاد و ایوان و صحن و مسجد دارد همه با عظمت کامل و
شکوه تمام بر سبیل این تقاضه بلکه توانز بلسان واحد از اهل مسوع افتاد که اصل
بنیاد اولین را سلطان محمد خوارزمشاه نهاده و چو زفت و ابانجام رسانیده قبل از عمارت
ایوان و صحن و سایر ملحقات خبر هجوم تزاراشنها و یافتن خوارزمشاه با چنگیز و چنگ
شده است و از اینجهت مقصود و منوی خود را نتوانست با تمام رسانید پس در ^{مناجیه} وفرو
امر و حکام و رؤسای فابل و از باب مکنی که در اینجا ک بوده اند اضافات کرده اند و
عمارات افزوده است در زلزله هزار و دو بیست و شصت و هشت گنبد و دیوار چهار
مدن حرم خراب شده ایلخانی وقت که از قبیل زعفرانی بوده ساخته است و بنیاد
او بر روی دیپنه و اساس همان عمارت قدیم است و در زلزله اخیره شکستی فاحش در آن
بهم رسیده لذا فیه را بر چیده اند و این ایام مشغول ساختن میباشدند خارج عمارت
گنبد از موقوفه امامان زاده است ایلخانی نیز وعده پرداختن کسر خارج نموده است و
در سال هشتاد و شش بحکم والد ایلخانی ایوان را که شکسته شده بود بر چیده اند

و از پنج بحد بد عمارت نموده اند و نقاشی بجهت بعل آورده اند و کتیبه باسم مشارالیهما
از نایب افکار حاجی علی برضای مختصر بیابح که اصلاً فوجانست و فعلاً در مشهد
الرضا علیه السلام میباشد و در خسته های کاشی بنحی منوسط نوشته اند اشعرا

بعینها نقل میشود

دردمان دولت خافان اسکندگشان	ناصرالدین شاه غازی خسر و کیتی سنان
وارشاورنگ جم شاعجم شپراجم	مبصر دارا خدم دارای قصیر با سبان
تبع او هنگام کوشش افت چپال هند	دستاود درگاه بخشش غیرت در باو کان
ز احسن اشحنه عدلش وطن بگرفتند	صعور شاهین و بک باز در بک اشپان
در چنین نر خنده غم یک کامد از اقبال و	ایلخان پنجهن اندر خبوشان حکمران
منبع غیرت شجاع الدوله در پای کرم	مهر نومان ایلخان افخار دودمان
هم نیاکان بر نیاکان کامجوی و پاک خوه	هم سر استر ایلخان و حکمران و پاک جان
روضه رضوا اگر شد مضمع آنان و لبک	نام بنکو مانده در گیتی از ایشان جاودان
پهلوی گویان در دژ پهلوی سهراب یک	گر بگردان قتمن ترک بکف خطی سنان
در صف هجایگی برف و کی الوند کوه	چو کران سازد در کاب و چو سبک سازد عتبا
چاره درگاه بر سلطارشید از روی نیاز	ناهار دولتش اسوده کردد از خزان
این هاپون بارگاهبر اگر باشد از شرف	امانتش اسنان و اسنانش اسمان
روضه شهزاده ابراهیم باشد کز اول	پایه پوان و می آمد فراز لامکان
زاده شلخراسان فرقه العین بنول	پورچند در پاره قلب رسول انس و جان
انکه گوید اسنانش را ملک دار السرور	انکه جوید بارگاهش را فلک دار الامان

از ظهور و مرقدش ملک خجوشان راستد
 گزیناید فخرناختش بفرسوسر جان
 مام پاك ایلخانی بانوی کجوان خدام
 انکبوت شب و نظر امدک ز آبکای زمان
 ساره فخر خنده عهد و مرم بلفیسر مهتد
 افتاب عصمت عفت
 انمتر خشنده و مهر سپهر سرورده
 کز جلالت پای نکند اردیفون فرودان
 نامانند جهان باقی ز او نام نگو
 خواست از هر ملک بنا بان و نقاشان حنا
 سیم وز چندان بیاشبدا ز پدیداد و
 بنگر شد فقر و بدیع و حکم و خور و رفیع
 ز پیداین ایوان کجوان زبیر او کوبند عرش
 چو شد این عالی بنا از همش سروانزاش
 از حضرت خاک بالان ز اوج ککشان

کلك سبلح از کپی نارنج اتمامش نوشت

این بنا از نویا فرمود مام ایلخان

این امامزاده را اوفات لایق است در خجوشان و حوالی آن که بعضی بوجه مرمت آن
 دارد و بعضی بوجه استنصانه و بعضی بخارج خدام باین شرح

(دو فرسز بنده برای روشنائی حرم بکزوج لاد در مزرعه معروفه بشمس آباد واقع در
 جنب دروازه بالا برای تعمیر بقعه بکزوج) (ایضا در شمس آباد برای تعمیر استانه
 سبزه باغ معتب) (در باغستان فوجان باغ معتب برای روشنائی حرم بیست
 پشته) (دکاکین متصله بدیوار شمالی صحن امامزاده و فست استانه بیست باب)
 (دو فرسز کوراب فرسجی فوجان بکقطعه باغچه) اوفات خدام (در مزرعه موپه

بکفر یعنی فوجان چهار زوج (در شمس اباد چهار زوج) (در پوسفنا اباد چهار زوج)
دو خدمت اسنانه دوده از سادات مهلجر بر میدهند بنام رسول علی الاشراف الملواری
ذبح کنند و بچه ها و شعبه منقسم میشوند که بچه ها برادر و منتهی میگردند

(اولاد منولے) (اولاد فاضلے) (اولاد خطیب) (اولاد نسیب) بعضی از اوران قران کریم
بخط میرزا بابا بنقر بن میرزا شاهرخ گورکانی در این امامزاده دیده شد که با پهلای عجا
و نفایس عالم شمرند (خطی چنانکه اگر بنمونه زندگ شود تراشش فلش را بمغله بردارد)
صفا و استحکام خط اینقران زیاد از حد و صفاست طول آن صغیر و ذرع و نیم و عرض
یک ذرع و ده که طول سطر یک ذرع عرض سطر پنج که بین السطور یک چارک اندازه و سلم
صد یک ذرع طول جدول یک ذرع و سه چارک و هر صفحه هشت متر است

ذکر نسب ایلیانها و حکم از آنرا فی چنان

پوشیده نباشد که قبل از حرکت قبایل و طوایف اگر از اعضا نلو و شادلو از اخال پندره
خراسان که فوجان دران واقع است نابینورد و جاجرم و کاپوش مسکن طایفه کرانی که
داصل کرانی ایلی میباشند بود چون اینطوایف با بنجد و دیونواحی آمدند کرانیها
منقرن ساختند اما کرانیها بنا بر مسطورات نوارنج صحیح طوایف مغول از قبایل
بزرگ معبر و بامغول حساب بوده بلکه مذهب او نژاد اولسانا با انها نبی داشته
لیکن از جهت تمدن بر مغولها چنگیز خانی تقدم داشت چرا که شهر فرازم پارس
تخت اونک خان پادشاه کرانی بود و قبل از آنکه مغولها انجا را منصرف شوند وضع
شهری و مدینت داشت بعد از آنکه پدو چنگیز خان در گذشت و ایل والوس او
شوریدند خود نزد اونک خان آمد با و ملتی شدند و عصا هر ثلوث ایل گردید چند

کوبند
چون ناد و شاه
سیر اجماع کرد
ارهم همان و قران خط
میرزا بابا بنقر که بر
امیر شور بود داشته
اوران از امامزاده
نادر شاه شده حکم کرد
ایرا از از دست مرد
گرمه جلد کنند و بنس
الکر که از شهادت
بره پیچیده و در هم شکسته
میان چهار شانه از منقوش
ساخت و با بنجا اوران
که در انها ابا و اسند
معروفست میر معین
مصحف که بر او رفته
عزاده جلوار در
نخوت میکناسند
است

سال در کف رعایت و حمایت او زندگانی میکرد تا آنکه پسران او نیک خان باورشند
 بوده نزدیک او سعایت کردند و نیک خان قصد قتل چنگیز خان که آنوقت معروف
 به تمچین بود نمود و فرار کرده بجدایمپان طایفه خود بازگشت و هر دو در
 بواسطه کفایت و تدبیر و عقل مادی خود بدرجات عالی رسید و با او نیک خان
 که پیشتر بود طرح جنگ ریخت و او را مقهور و بلکه مقبول سلطنت مملکت او را
 منصرفه و از آن پس فراوانی فی الواقع مرکز دولت و مقر سلطنت چنگیز خان و اولاد او
 گردید اما طوایف گراپی ساکن ایران باید بعد از چنگیز خان یعنی باهالاگو خان که از
 هر ده خانوار از طوایف مغول یک خانوار ببلخ حرکت داده عزم بیت پورش نمود
 با این مملکت آمده باشند طوایف دیگر نائار و مغول باهالاگو خان ناشامات و بلاد
 روم و اناطولی و عراق عرب رفتند و با تمام ورشدند و در اینجاها توقف کردند لکن
 طایفه گراپی از خراسان بجا و زندگانه در اینجا ماندند تا این اواخر فرزندان آنها را
 متفرق ساختند پس آنکه اول جد اینچاینها ای زعفرانلو که در فوجان حکمرانی
 داشتند و درند شاه قلی سلطان بوده پس از آنکه شاه عباس اول هرات و مرو و
 چچک و مهنه و باورد و نسا و درون که در خط اخالست از تصرف او بزرگ خارج
 ساخت شاه قلی سلطان از القبا میراثی داد و در خط اخال گذاشت و چهل هزار
 نفر از گراپی ^{خانوار} چشک را که دو سه سالی در ورامین الکا داشتند که چایبده در ناحیه
 مبروه سکنی داد که جلوا و بیک را داشته باشند در سلطنت شاه سلطانخسرو که
 امور دولت مختل کردید اگر اباخال نشین از تلخت و نازار گنجی و بخارا می شوریده
 رویکرده و معقلهای تلخت گذاشتند و در آن زمان ولایت فوجان و شیروان و بجنورد

بمملکتان مسکن طایفه گراپی بود اگر اد برای اینکه پورتنی بجهت خود بدست آورند
بنای زد و خورد با طایفه گراپی گذاشتند و در اندک زمانی آنها را از محالانت
منزیره خارج ساخته و خان پسر مهراپ بیک بر شرف اسلطان کرویکل اگر اد
چشک زک و در معنی ایلخان این طایفه بود بر این فوج اسب پلا یافت و شهر و انرا پورتن
فرار داده تمام چهل هزار خانوار اگر اد چشک زک را که زعفرانلو و شادلو و کاورانلو
(کاورانلو) و عمارلو و فرچورلو باشند در پورتنهای فوجان و شهر وان و مجنور و و
مضافات ساگر ساخت چنانکه از چناران علیا، اچناران سفلی که در حوالی مجنور و و
بزعفرانلو اختصاص یافت و از چناران سفلی الی اسماعیلان پورتن شادلو شد کاورانلو را
بسمت مشهد مقدس انداختند باین معنی که از اول خاک چلای خانه که در شمال
مشهد واقع و فاعله پوسفخان که در چهار فرسخی سمت شمال فوجانست مانند دارد
پورتن طایفه جانی فریانی باشد و کوه شمال چشمه کل آسب معروف چشمه کباب
که کوه عمارت نام دارد و یک سمت آن کلات و در کراس و سمت دیگر جلگه که خط راه
فوجان مشهد در آن واقع مسکن کاورانلو شود (کوه عمارت فاعله ما و ابها و مرتعها
زیاد دارد) خلاصه طوایف منوره در محالانت مذکوره همانند و بعد از فرخان
پسر شام بیک و کل ریاست داشت پس از او پسرش محمد حسینخان زد و ولست
ایلخان لقب یافت بعد از آن پسرش اسپرگو نر خان ایلخان شد و پس از او رضا ایلخان بن
امیرگو نر خان ایلخان بعد از او سام خان بن رضا ایلخان و بعد از سام خان امیر
حسینخان برادرش ایلخان طایفه زعفرانلو و ملقب بشجاع الدوله گردید که هم اکنون
حکمران فوجان و شهر وانست و از طایفه گراپی در اصفهان خراسان جماعت بغایر

حالا در بام وصفی اباد سکنی دارند

دره که فوجان در آن واقع است از دره های حاصل خیز معروف خراسان و بکثرت
مها و استعداد اراضی موصوف میباشد و در فرقه سکه از توابع خبوشان سادات
از عهد سلاطین صفویه چهارصد سال از این پیش سکنه داشته اند و مالک کلان
ظاهر اباد و جمال اباد بوده اند و هستند در این سال هزار و سیصد بیست و شش
خانوارند اینها عشر اتراد بموجب موقوفه نسب نامته که در نهصد و بیست و اند
نکاشته است بشیخ نجم الدین کبری میرسد و از آن سید بزرگوار و پیر عالی مقام
بامامزاده علی اصغر ربیع علی بن الحسن سلام الله علیهم اجمعین پیوندند پادشاهان صفویه
در حق این سلسله رعایتی مخصوص میدول داشته اند نقد و جتنس کلان است
ثلثا که مالک بوده اند تخفیف داده اند و فرمائی که در این باب از شاه عباس
اول و دیگری از شاه سلیمان بن شاه عباس داشتند بنظر رسید و علی غرهما

منقول افتاد بر نهجی که در ذیل این صفحه ثبت گردیده است

صورت فرمایید عیون ما انما لله برهان است که در این تخفیف طایف است و اولاد میرزا جمال الدین
یا کن که در این است (بخط کشنده سلیق مونت)

بسم الله تعالی العزیز (بقلم ششادک دور الای و در قباب طالانوشتر)


حکم حکم قدر شاهنشاهی شد (علیه)

انکه عالیجاهان شوکت و جلالک دستگاهان
فخامت و مناعت لکن تاجدیت و بجدت همراهان مقربان اعلی حضرت قدر قدرت

خافان و البان خراسان با التفات بلانها پات شاهنشاهی مقنن و سرفراز بوده

بدانند که شجره التبارده میرزا عبدالمقدم بن میرزا جمال الدین العلوی الحسینی

(قلم ششادک)
باب طالانک
دستخون و زینک
ایریم امیر ملت

ساکن ساکن از توابع صفحہ ملک خوبوشان ملحوظ و مقبول نظر مبارک افدس شاهنشاهی
 گذریده در باب ملک موروثی و که عبارت از چهار سهم از مدار هشت سهم
 قنات طاهر آباد و چهار سهم از مدار هشت سهم قنات جمال آباد و دو سهم از
 مدارش سهم قنات بی بی حنیفه بوده باشد همگی و تمام بر رقم قضایم تخفیفی
 ابدی برای خوشنودی خدا و رسول خدا و ائمه هدی الثقات فرمودیم البتہ
 عالیجاهان مسنوفیان ممالک خراسان مضمون کرامات مرحمت شحون فرمان
 فدنا تو اما مبارک را در دفتر خود ثبت ضبط نموده و سهامات قنات
 ثلثه مرفوعه و امر بنه الحال الی سنوات الاستقبال علی الذوام از اخراجات نقد
 و جنس دیوان افدس شاهنشاهی خارج و معاف دانسته و از نصرت خیر الناصرین
 هر سلاطینی از سلاطین که در اوج سر پر فلک رفعت پرانی فرمان فرمائی و کامرانی
 فرمایند بر آنها هم لازم و واجبست که برای خوشنودی خدا و رسول خدا و ائمه
 طاهرین از مصدر عنايات بیغایات افدس ارفعها پوز شاهنشاهی برینا بیج
 اولاد سلاله الاطباب و الانجاب رقم تخفیفی الثقات فرموده باشند هر این
 باعث از یاد عمر و اقتدار سلطانی خواهد بود البتہ حسب المشرع معمول و درین
 داشته و در عهد شناسند بیخبر این تاریخ شهر رمضان المبارک هزار و هجده
 شکل مهر مسد است باین صورت  بیج مهر اینست السلطنه لله
 از عنایات کرامات لطیف لطف کرم
 گردنصب کتب عباس ناج خسر و این را بسر
 در نوشتن این فرمان هر جا که باسم سلطان رسیده همان قلم را که در دست داشته است

باب طلا زده در وقت کلماتی که از یاد شایسته بر می کنند سواد مداد و صفرت
 ذهب با هم آمیخته و معلوم است
 صورت فرماز تخفیف که شاه سلیمان صفوی از الله برهان بر پیر و امجد شریف
 داده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (بمطابق تعلقو خالص باب طلا بدم شد بانك)

فرمان اقدس همايون شاهنشاهی شد انکه عالیجاهان و فوجا بکهار عی
 و جلالت دستگاهان شهامت و مناعت اکتانها ان بجدت و بجدت همراهان
 مقر بازا علیحضرت خاقان و والیان خراسان بالثقات بلادنها پات شاهنشاهی
 مفتخر و سرافراز بوده بدانند که شجره السیاده میرزا امجد شریف بن میرزا علی بن فی العلو
 الحسینی ساکن که ملحوظ و مقبول نظر مبارک اقدس شاهنشاهی گردیده که
 در باب ملک موروثی ان که عبارت از چهار سهم از مدار هشت سهم قنات
 ظاهر اباد و چهار سهم از مدار هشت سهم قنات جمال اباد و دو سهم از مدار
 شش سهم قنات بی حنیفه که واقع در نواح صغری ملک خبوشان خراسان
 میباشد یکی و تمام بر از مصدر عنایات شاهنشاهی فرمان فضا نوا مان
 تخفیفی ابدی بر وزارت عیال الثقات فرمودیم البتة عالیجاهان مستوفیان بمالک
 خراسان مضامین مرحمت مشحون رقم فضا نوا مان را در دفتر خود ثبت ضبط
 نموده و سهامات فنوات ثلثه مرقومه را منسبت الحال الی سنوات الاستقبال از
 اخراجات نقد و جنس دیوان اقدس شاهنشاهی خارج و معاف دانسته و هر آنکس
 که از وزارت حکم حکم شاهنشاهی تخلف و انحراف نموده باشند بلعنث حضرت اقدس

سجانی و نغز بن رسول رب العالمین و الائمه الطاهرین گرفتار گردیده باشند و از
 عنایات و کرامات خیر الناصرین هر ساطانی از سلاطین مزید الا بام که در سر پر
 فلک رفعت ابران فرما نغمای کامران گردیده باشند لازم و واجبست برای رضیگان
 خداوند رب العالمین و برای خوشفاعت جناب شریف المرسلین و ائمه الطاهرین
 صلوات الله علیهم لجمعین رفتم تخفیفی بر اولاد نایب ائمه سلاله الاطیاب الا بنجاب
 الثقات و مرحمت فرمایند بخیر ایغره شهر رجب المرجب هزار و صد و شانزده
 شکل مهر سبع مهر الحکمة لله

بسرینهاده تاج خسروان سلیمان بن شاه عباس شاه
 در این فرمان هم کلمات حاکیه از شخص سلطنت و اجمداد زرباب امیر نگاشته اند
 فرمانها سرد و بی صحه متعارفه سلطانی و خط گذاری منوفیان دیوانی است
 از ملاحظه عبارت و انشاء این فرمانها و سبع مهرها و خط نگارنده و صنعت حکاک
 انها محقق میگردد که این فیض ایل و صنایع در ان عهد نقصان کاملی داشته است
 و از موازات و خط فرمانها و حک مهرها و ملاحظه تفاوت شعرهای انها مستفاد
 میشود که در ان قریب یکصد سال متخلل مابین صید و رایند و فرمان ترقی بنیته حاصل
 نشد و در سابقه و صنعت و فیض ایل تکمیل چندان بهم نرسیده

تولید منعلقه و منجوشا (قوجا)

صاحب تذکره دولت شاهیه گوید سلطان اتوزخوار ز مشاهد رسال پانصد و پنجاه
 و یک در خرم دره خوبوشان بمرك مفاجاه در گذشت رشید و طواط که در موکب
 ان پادشاه بود بر سر تابوت انرا مده میگردیست و این رباعی میخوانند

رباعی

شاه افلاک از سپاستت مبلرزید پیش تو بطبع بندگی پیورزید
 صاحب نظری کجاست نادرنکرد ناغمه سلطنت بد پرچی از زید
 صاحب نارنج حیب التیر مینویسد چنکیزخان در ظاهر سمرقند استماع نمود که
 سلطان محمد خوارزمشاه با معدودی از راه خراسان بطرف عراق گریخت جترو با
 وسوندای بیادرو و نوچیز را با سی هزار سوار از عقب سلطان محمد روان نمود و آنها
 در و بیع الاخر سنه ششصد و هفتاد از ابامویه عبور کرده بصوب هرات رفتند
 و هرات را همی پیش گرفتند از جمله سویدای بطوس و از طوس براد کازش تافه
 چون مرغزار و جویان آنها را در کان او را خوش آمد منعرض بنویسند اما در خوشنا
 و اسفراین قتل و غارت پرداخت

در کتاب مطلع السعدین در وفای سنه هشتصد و نهم مسطور است که در هنگام
 نهضت خاقان سعید (میرزا شاهرخ گورکانی) بجانب طوس و مشهد مقدس
 ابالتطوس و خوشان و کلات و سبزوار و نیشابور جمعیتالدوله والدین میرزا
 الغریب گورکان تقوی پیشد

نیز صاحب مطلع السعدین در حوادث سنه هشتصد و هفتاد گوید خاقان
 سعید (میرزا شاهرخ) ابالت و کلات طوس و مشهد و خوشان و غیره را بفرزند
 خود میرزا اباسنفر مرت فرمود

هم در این کتاب است که میرزا علاءالدوله گورکانی و میرزا ابوالفاسم بابر در فواجی خوشان
 صفوف قتال داشتند اما ارکان دولت بمپان افشاده کار بصلح انجامید و قرار شد که

خوشان در میان فاصله باشد و این در سال هشتصد و پنجاه و یک بوی
صاحب حبیب السیر گوید میرزا ابوالقاسم یار در اواسط سنه سبع و خمین و
ثمانه یار در بکر خیال لشکر فارس و عراق فرودده از هرات حرکت و بلغز اخراج خوشان
معاکرم نمود

نیز در همین کتابت که میرزا یادگار محمد بن میرزا سلطان محمد بن میرزا بابا پسر بن
میرزا شاه رخ چون از اذربایجان بقصد لشکر خراسان حرکت کرده بنواحی سفرین
آمد سلطان حسین میرزای باقر در ربیع الاول سنه سبعین و ثمانه از هرات
بمشهد مقدس آمد و از اینجا تفرقه صفت کرده بر آنک را دکان عبور فرمود و در
جلگه خوشان و بلغز اخراج بشعب کوهی که در میان خوشان و اسفراین
حایل است نزول نمود

در سال هزار و صد و سی و نوزده شاطهماسب صفوی حکومت خوشان را به
الافغان خان قاجار تفویض نمود

در هنگامیکه ناد و شاه افشار موسوم به ندر قلی بیگ و در ملازمت ملک محمود
سیستانی بود در این مخالفت بر افراشته ملک محمود سیستانی بدفع او و نجوشان
رفت اینجا و منصرف شد و ندر قلی بیگ فرار نمود و در وقتیکه رضا افغان سردار
از جانب دولت صفویه بدفع ملک محمود سیستانی مأمور بود ندر قلی بیگ با و
موافقت کرده بدولت صفویه اظهار انقیاد نمود بعد از شکست رضا افغان اینجا
خوشان رفتند

بعد از انزاع مشهد مقدس از تصرف ملک محمود سیستانی ندر قلی بیگ که

ملقب بطهما سبقلخان بود بفرود خنر سام بیک خوبوشانی افتاد شاطهما سب
 منع اینکار کرد و طهما سبقلخان بر نیچید و بمحاصره خوبوشان پرداخت و فتح
 خود را با شاطهما سب اشکار کرد و اخربز و رگسان دخنر سام بیک را با بیست و
 راضی نمود

در سال هزار و صد و شصت که نادر شاه از فرط غرور بدینان احکام و اوامر را بر زمین
 و زور نهاده بود و بزرگان بملکت مجبور و ببلخ نمانده بودند اگر خوبوشان نیز
 طغیان و رزیدند و اینچنان نادر پراگردد و قورون را دکان بود غارت کردند
 نادر شاه با قهر و غضب بخوبوشان امدا عاظم دولت که از سفاکی او بجان آمده بودند
 با علیقلی خان برادر زاده نادر مشغول شد شب یکشنبه یازدهم جمادی الثانی
 سنه مذکوره در فتح آباد خوبوشان پادرسرا پرده او گذاشته سرش را از بدن جدا
 ساختند و معتبر بن اعاظم دولت که با اینکار پرداختند محمد خان فاجار ابروایی
 و موسی بیک پرلوی افشار طارمی و محمد صالح خان قرقلوی بیوردی و محمد قلخان
 افشار و وحی کشیکی پاشی بودند

در سال هزار و دویست و چهل و هشت نایب السلطنه رضوان جا بگامین
 طاب شاه خوبوشان را بعلیه فتح نمودند

در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار که موکب منصور اعلی حضرت شاهنشاهی
 (ناصر الدین شاه) اید الله تعالی بنصره از سفر خراسان بدار الخلافه با همراه
 میفرمود روز بیست و پنجم ربیع الاول بظاهر خوبوشان نزول جلال فرموده تا روز
 بیست و هشتم اردوی معلی در اینجمل اقامت داشت

دو سال هزار و سیصد هجری که بندگان اجل حضرت قوشوکت پادشاه
(ناصرالدین) خدا را ملکه و سلطان غریب رضا قدس و زیارت مشهد
مقدس فرموده بودند و روز دوشنبه دویم شوال بظاهر خوبشان نزول جلال
نموده روز پنجشنبه پنجم مویک مسعودها یون از اینجا بطرف شهر مشهد انتهای
فرمودار ارتفاع فوجان باطهران مساویست

چون از فوجان نسبت دادگان حرکت نمایند منزل اول فریخ علی آباد است راه چهار
فرسخ و از مغرب مشرف و در جلگه وسیع میباشد کوه طرف شمال که در بار راه
موسوم بقراول میباشد و چندان ارتفاعی ندارد در پشت کوه قراول بهمان
امتداد کوه دولخان است کوه طرف جنوب را که در همین راه است محمد بیگ میندا
و عرض و فاصله قریباً بین دو کوه تقریباً یک فرسخ است دهانی که از دور دامنه
کوه محمد بیگ دیده میشود موسوم بزینت و چند آباد و بزندان باد و نوروز و کلوخ
و کچک و مساراج و کفزی و سَر و میباشد و آبادی دامنه کوه دولخان که بنظر
میرسد محمد بیگ است نیز در دامنه دولخان مقبره ایست که اهالی از اینجایی گویند
یک فرسخ که از فوجان دور میشوند در طرف دست چپ راه قدری دور از جاده
فریخ آباد مقل نادرشاه است که تقریباً بی خانوار سکن دارد و البش از
قات میباشد این تقریب بر روی تپه واقع و بزعم بعضی در واقع نادرا اینجا آباد
نبوده در عهد شهریار مبرور ماضی محمد شاغازی طاب ثراه (تقریباً چهل و
پنج سال قبل) افا سی بیگ نامی از کاشنگاز الهیار خان اصفالدوله قلعه پرور
تپه بنا کرده که هنوز معروف بقلعه افا سی میباشد قریباً بین فتح آباد و فریخ

که ذکر از بس پدید آید است مدور و مصنوعی و طرحی شکل که دور نشسته از پائین
 سیصد قدم و ارتفاع آن پنجاه قدم و دایره سطح فوقانی از صد و بیست قدم و قطر
 ایندازه چهل قدم است این نشسته را خالصه نشسته و نشسته نادری و سرور پدید نشسته میند
 و عقیقه بعضی اینست که در روی این نشسته نادر شاه تخت و تاج سلطنت را بدو رود
 گفته است ما این احوال بنظر ضعیف است چه مورخین ضبط کرده اند که نادر شاه
 در فریخ آباد خوبوشان مقبول شده پس معلوم میشود که همانوقت فتح آباد اباد
 داشتند و چون از مثل نادر شاه پادشاهی دور است که بر روی نشسته که از هر طرف
 نمودار است سرای پرده زند هم که سرای پرده نادر شاه پادشاهی نشسته فتح آباد و
 خالصه نشسته بوده است بهر حال رودخانه موسوم بر رودخانه فوجان که در اینجاها دیده
 میشود و بطرف فوجان جاریست در واسطه اسد چهار سنگ بدار و سرچشمه
 آن در میان کوه کاس در نزدیک قریه بی بی میباشد و کوه کاس در شمال کوه عمارت
 و در شمال همین جلگه که خط راه در آنست واقع و رودخانه فرور وقتیکه مجاز
 فریخ توری و کرد کالی میرسد بواسطه بعضی نهابها افزوده میشود این رودخانه ببارک
 میرود و خود رودخانه را اهالی این صفحات سولاخان میگویند پائینتر از فتح آباد در بار
 راه و دور از جاده فریخ همی است که شصت خانوار سکن دارد و در عرض فریخ
 همی بفاصله یک پدان فریخ نند و اباد است و ز پر همی فریخ حسن اباد قدوس
 دیگر که طی مسافت نمودند در دو طرف راه دو قریه است که هر دو موسوم بقریخان
 میباشد و هر یک بی چهل خانوار سکن دارند و اینجا نشسته مصنوعی بد میشود
 از قریخان گذشته علی اباد است که دارای شصت خانوار سکن و حمام و مسجد است

در حوالی
 این رودخانه جوی
 چادر نشین دیده شد
 از ایل فوجان و وصل
 اینکله قریه فریخ
 میباشد یعنی قریه
 و کوه سفند دار و ممکن
 بواسطه سنگ دانستن
 اینجاعت در حوالی
 فوجان این شهر موسوم
 باین اسم شده
 باشد

وابان از رودخانه فوجان و رعایای اینجا نرک جانی قبری از هسندارتقاع علی آبا
از طهران یکصد ذرع است در عرض علی آباد در طرف شمال بقاصله ربع فرسخ
در دهده که نوافست که صد خانوار کرد زعفرانلو دارد کوه طرف جنوب
علی آباد قشهری نام دارد دهنت راه نشابور که مابین این کوه و کوه دلبه میباشد
همینست و افع شده کوه طرف شمال علی آباد محاذی قشهری موسوم بچارشت
در قنات علی آباد ماهیهای بزرگ بوزن یک چارک یافت میشود و از جنس ماهی
سفید است

منزل بعد از علی آباد سوهانست و راه هفت فرسخ و از مغرب بشرق و همه جا در
جلگه هموار و سببی است مگر در نزدیکی منزل که قدری لسته و بلندی دارد
تقریباً یکدوازده اسب از علی آباد گذشته قریب دپزه بان در خط راه است و پس از
یک فرسخ قریب جعفر آباد که آن نیز در خط راه میباشد و دارای صد خانوار سکنه
وایش از قناتست در دامنه کوه طرف جنوب که در همین راه است فراع و فرای
کبر آباد و قلعه دولو و قلعه عباس آباد و قلعه دق میباشد در طرف دست
چپ راه قدری دور از جاده قریب داودی است که سکنه آن صد خانوار و ایشان از
قناتست قدری از جعفر آباد گذشته در طرف دست راست بقاصله یکمیدان
از جاده قلعه خرابه است موسوم بحسین آباد از اینجا که قدری طی مسافت نمودند
در همین طرف راه وصل بجاده قریب دوست آباد است که شصت خانوار سکنه و
مسجد و حمامی دارد تقریباً در سه فرسخی راه قریب پاساوی است که خط راه از وسط
آن میگذرد و خاک فوجان با این قریب منتهی میشود و بعد از این قریب دیگر آبادیها

جز و خاک را در کار و اما اعمال این ولایت است سکنه باسائی تقریباً سی خانوار و نفل
 و صنوعی دارد کوه طرف شمال باسائی موسوم بکوانلو است که اهالی کاوانلو
 تلفظ میکنند و کوه طرف جنوب که دولخانیه باشد بعضی آنرا از حضرت انلو نیز میگویند
 قریب بکفر سیخ بمنزل مانده در طرف دست چپ راه تقریباً یکیدان دور از جاده
 قریه موجنان است که قریب چهل خانوار سکنه و باغستانی دارد و حوضی موسوم
 به آبش حوض این حوض را از سنگ ساخته بوده اند ولی حالاً از آبست نزدیک بسوهان
 طرف یسار راه روی کوه تپه مانند مفره است که اهالی آن نواحی را بدین چین
 اعتقاد است مخصوصاً در طلب اولاد و مدفون در این مفره را شاهزاده تاجی
 گویند بعضی بنور نیز در حوالی این مفره دیده میشود قریه سوهان چهل خانوار
 سکنه دارد که در قلعه کهنه ساکنند و مسجد و حمامی دارند اب سوهان از دو
 کار پز است یکی موسوم بسوهان دیگری معروف به نواغان کوهی که سوهان
 در زیر آن واقع است در طرف شمال بادی و موسوم بعمارت میباشد و پشت
 این کوه رشته کوه معشر هزار مسجد است و اسم این کوه را کلنل اسنوار و انگلابی در
 نقشه خود هزار مسجد رنج ضبط کرده تاخذ معلوم نیست بهر حال گویند در این
 کوه خانقاههای عدیده معشر بوده و افسام گاهها دارد که پتاجان بمالك
 بطلبان گاهها با این صفحات میبایند درخت اورس در این کوه بسیار است و رشته
 آن ناز پر را در کان کشیده و کوه طرف مقابل چنانکه ذکر شد موسوم است بدولخانیه
 و هر قطعه از آن نیز اسم مخصوصی دارد از جمله این قطعه را که مقابل سوهان است
 بنادلو گویند و کوه شاجهان که در شرح شیروان ذکر شد و صل بهمین کوه است

گویند در بالای کوه شاهجهان دو مقبره است معروف شاهجهان و جهان
 اوعیان که نامند اینطرف را که در جنوب خط راه است شاهجهان گویند و پشت
 اینکوه را جهان اوعیان نامیده اند باعث بار اینکه مقبره شاهجهان مایل بانطرف
 و مقبره جهان اوعیان بانطرف مایل است ارتفاع سوهان مثل طهرانست
 از سوهان نارادکان راه کزازد و فرسخ و از مغرب بمشرقست و در خط راه آبادی
 نیست و بجهت در بین راه حوضی از سنگ ساخته اند که مسقف بوده و سقف
 آن حالا خرابست پنحوض برای النکاب بازان در آن جمع شود و بکار عابرین آید
 یکپدان از سوهان گذشته در طرف دست چپ راه قدری دور از جاده فربه
 کورسکانست که چهل خانوار سکن و حمام و مسجدی دارد و البش از کار پز و چشمه
 بعد از آن بتلبل فاصله در همین طرف وصل براه فربه همسکانست که حالا خراب
 و بایر میباشد و فربه خریج نیز در همین طرف از دور نما پانست و اما مزاده دارد
 موسوم بشاهزاده امام حسن قدری بالاتر در همین طرف کار پز خانقلی است و آن
 مزعه بلا سکن میباشد و بعد از آن بفاصله کمی مزعه کلچین پاکلی است ^{بعضه}
 مزراع و قزای دیگر از دور دیده میشود که در ضمن رادکان مذکور خواهد شد
 بلده رادکان از فزار بکه معلوم میشود چند فزه بعبیر مکان داده چنانکه در طرف
 جنوب مایل بمشرق قصبه حالت اثار خرابه رادکان قدیم دیده میشود و پیش از آن
 آبادی در طرف مشرق مایل بجنوب در محلی که حالا مایل رادکانست و ذکر
 آن بیاید بوده است رادکان حالت از فزار بقدر عموم اهالی بنای رضایلی میرزا
 بن نادر شاه است و او را کی در طرف مشرق شهر وصل بدروازه بنا نموده که مربع

منطیل و مشتمل بر یازده برج است که دو برج آن مخصوص دروازه بوده در
ضلع طرف شمال شرقی ارك برج بزرگ است خراب که محکم ارك محسوب میشود و
در حوادث و اتفاقات جمیع اجزای حکومتی در آن جمع میشود و لوازم آنها از اطاف
و حمام و حوض و آب انبار و غیره در برج و حیاط وصل برج موجود بوده و این برج
نام کبریا و سه طبقه عمارت داشته هر طبقه مشتمل بر یازده اطاق که مجموعاً بیست و
سه اطاق میباشد و حمام رضایلی میرزا در ارك و الان آباد و حمام بسیار خوبی است
بر خلاف اغلب بیوتات و عمارات ارك منهدم میباشد لافیلی که مسکن حاکم است
دو بیرون دروازه فیمابین آثار خرابه رادکان قدیم و رادکان حال حاضر رضایلی میرزا
طویل معشبری بنا کرده است اما بلده رادکان قلعه است که شانزده برج دارد فاصله
فیمابین هر برج با برج دیگر هفتاد ذرع و دو هر برج بیست ذرع و ارتفاع
بروج از پنج ذرع تا هفت ذرع است بپرو جصار فیمابین چندین و دیوار حصار
خانه ساخته اند عرض چندین پنج ذرع و چهار ذرع و عمق آن بنفاد و شهر را
دو دروازه است یکی رو به مشرق موسوم بدروازه مشهد و دروازه دیگر رو به مغرب
معروف بدروازه قوچانست رو به خانه رادکان از دره که در شمال غربی واقعست
بطرف رادکان جاری و سر چشمه آن از دو دره است دره دلی و دره گوری که
مافت آنها تا رادکان سه فرسخ است این آب در جلگه رادکان بمصرف زراعت
میرسد و هر وقت آب این رودخانه فاضل بهم رسانند با از آب سپلاب فاضل بجز
برودخانه کشف رود میریزد در رادکان فنواف و آب چشمه نپهست و اراضی
مزرعه بربیدست و چهار حوض منقسم میشود با آبهای طرف مشرق رادکان

میرزا
رادکان
کوه کبک
کوین نظام الملک
میرزا
میشد
در رادکان
از جمله
نوشته
یکی
بر
کدی
سکی
از
در
متوا
بی

قلعه چچمه است که تقریباً چهل خانوار سکنه دارد و قلعه مغان که آن نیز چهل
خانوار رعیت دارد بعد از آن کار پزیست با اسم کسوار مشهور بجلی آباد و در عرض
کسوار فتریه فتل حصار است باسی خانوار رعیت و فرائی جنوبی که موسوم به
کار پز کربلا نوری و زعلی که سی خانوار سکنه دارد و کلان مشهور و بغرب زادها
که آن نیز سی خانوار سکنه دارد و قلعه زنکر که دور شده کار پز و صد و پنجاه خانوار
سکنه دارد سکنه دادگان از خوانین و غیره کرد کپوانلو هستند و بفارسی و ترکی
هر دو حرف میزنند حاصل دادگان غله و سرد و خنجر و انکو و فراوان و ابریشم است
و زردالوهای بسیار خوب دارد که نوری و شمسی و شکر پاره میگویند اما میل
دادگان که در نیم فرسخی شهر در طرف مشرق مایل بجنوب است از بناهای
قدیم و تقریباً از ازمان دیالیه ^{چنانچه} میتوان نسبت داد دوره میل از بیرون چهل متر
و از داخل بیست و هشت متر و ارتفاع آن که هم بشماره اجرو هم بقیاس متحد بدین
شاخص بدقت معترشید بیست و پنج ذرع و قطر دیوار از پایین دو ذرع و وضع
میل از داخل مثنی و از بیرون از سطح زمین ناد و ذرع و نیم مدور ساخته شده بعد
از آن مشتملست بر سی و شش ترک که هر ترک بشکل نیم نون مدور است نازیر
کنبد و درز پر کنبد دوره از کاشی و آجر منبت شده کتب بخط کوفی بوده است که
محو شده و ریختن و مشکوک است که با خط بکاشی بوده و مثنی آجر منبت با بعکس
بعد از آن کنبد است بشکل مخروطی این برج دو طاق بالای هم داشته طاق زیرین
خراب شده و در طرف رو بجنوب مایل بشرف هم بواسطه زلزله شکاف و خرابی
اجالی دست داده است و با وجود این شکاف که خیلی از استحکام آن کاسته باز

سال هزار و
دوشت مشادو
چهار که موک منصور
شاهنشاه ناصر الدین
شاهی ملوک تشریف
فرمای خزان بود در
به آن بانندگی زیاد
شد سیل عظیم روان
کرد بد زمین اطراف
میلر که نزدیک قصبه
حالت دادگان است شده
استخوان میل پشم دار
فوج الحنة که از حوضانات
قبل از طوفانست و در کجا
انرا مامو گویند در سه
چهار ذریه زیر زمین
در کار میل پیدا شد
سر پیل زیرین داشت
و تمام استخوان تنجالی
خود بود بمحض رسیدن
هوای خارج بان استخوانها
پوسید و خال شد شوا
ند آنجا که در حوض
نهاداشند نه در آنجا
بزرگتر از زمان میل
تاریخ و طاج است آن
دندانها را بمحض مایل
شاهنشاهی خدا لله
ملک و سلطان او میدند
و بجای دیگر طاق نورین
فراخور حقیقتی محض
اطلسر هم چون اعطا
شد که الان در کابخانه
در کعبه عالی
موجود
است

قرنها آثار این بنا باقی خواهد بود بالجمله این برج با میل دادود راست یکی در مقابل
 مایل جنوب که در قلیل مسافتی در مقابل از نیت بنظر میآید که فی الحقیقه نیت
 نیست بلکه این نیت از خراب شدن یک عمارت مرتب حاصل شده و ممکن است که بگویند
 این عمارت مسجد جامع شهر بوده است بالجمله در دیگر این برج راست در مقابل در
 فرورد که در مغرب مایل جنوب است بنای برج از ابتدا تا تمام مانده یعنی بزرگترین
 داخله نیز داخله اند این برج بنا بر طرز قریب بیفتی مفسره یکی از سلاطین پادشاه
 بسیار معتبر و معظم دنیا بوده و سوای این حدسه از ده اند که هیچیک را ماخذ علمی
 نیست و ذکر آن موجب اطمینان است در حوالی میل دادکان قلعه ایست معروف
 بقبیس آباد که صد و پنجاه خانوار سکن دارد در یکفرسخی دادکان چنی است
 مشهور و یکو باغ که تقریباً یکفرسخ طول و عرض عرضی دارد و این همان النک معروف
 بالنک دادکان است که در وسعت و خضرت مشهور میباشد و چیر بسیار از
 سلاطین و سرداران لشکر مشرف زمین دادکان اردو زده و بجهت
 استراحت و اسایش قشون و دو آب و مویشی در اینجا اقامت نموده اند و نوا پنج
 متعلقه بر دادکان و النک از بسیار است از جمله صاحب تذکره دولتشاهی نقل این
 از نادر بیخ ال سلجوق کرده و مورخ آن تاریخ گوید من در دادکان در ملازمت سلطان
 سنج بودم و معاينه مشاهده کردم که گنجشکی بر سایر سلاطین ایشان کرده
 و بیضه نهاد چون وقت رحلت از آن منزل رسید سلطان قرشی را منعهد
 ایشان گذاشت تا انوقت که گنجشک بیرون آید که پشانی گنجشک روان داشت لاجرم
 ذکر خبر او باقی مانده و خواهد ماند

سپه
 فرزند صباح
 انگلیسی در دوران
 اینجمنات از میل
 زادگان از دیدن و دست
 نامشخو میزند
 پس از گذشتن از دادکان
 آنکه از دمی بواسطه
 در بین برج با ستون
 قطور را دیدم که از سکن
 بالبر ساخته شده و بالا
 آن غروب است شبیه
 بمقبره ما می باشد
 که در زمان و جاهها
 دیگر در تمام ارتفاع
 تقریباً پنجاه و انگلیس
 این برج را میل دادکان
 گویند که یکم مقبره
 یکم از اعراب باشد
 نظیر آن در این
 مملکت
 بسیار
 است

نفس
 کرده که گویانلو
 که در سکن دادکان
 میباشد و حال آنکه
 آن کاظم خان بن پسر
 بن محمد رضا
 خان
 است